

پرسش و پاسخ قضایی

با توجه به پرسش‌های ارسالی خوانندگان تپش درخصوص موضوعات حقوقی از جمله تقاضای اعسار، تقسیم ارثیه، مطالبه دیه و چک ضمانت



مریم جنت‌آبادی، کارشناس ارشد حقوق خصوصی

به سوالات شما پاسخ داده است. مخاطبان می‌توانند پرسش‌های حقوقی خود را با ارسال پیامک به شماره ۳۰۰۱۱۲۲۴ مطرح کنند و پاسخ را در همین صفحه بخوانند.

تقاضای اعسار

من به خاطر کارم حساب بانکی‌ای داشتم که گردش مالی آن بالا بود. مدتی است این حساب را مسدود کرده‌ام و پولی در آن نیست. به خاطر مهریه می‌خواهم تقاضای اعسار بدهم، آیا این حساب هم مدنظر قرار می‌گیرد؟

در اعسار آنچه مورد توجه قرار می‌گیرد وضعیت فعلی اموال و املاک و دارایی‌تان است. مگر آن‌که مشخص شود برای فرار از دین اقدام به انتقال صوری اموال کرده‌اید.

مطالبه دیه

شش ماه قبل خودرویی در خیابان به من زد که در دادگاه راننده به پرداخت دیه و هزینه درمان محکوم شد. خودروی مقصر بیمه داشت و من برای مطالبه دیه و خسارت به شرکت مراجعه کردم اما آنها بعد از چند هفته ادعا کردند بخشی از پول را سه ماه بعد و بقیه را شش ماه دیگر پرداخت می‌کنند. برای رسیدن به حقم چکار باید انجام دهم؟

در صورت صدور حکم به پرداخت دیه و خسارت در مرجع قضایی به شعبه صادرکننده رای بروید و درخواست اجرای حکم را بدهید. در صورت استنکاف شرکت از پرداخت خسارت، حسابش مسدود می‌شود.

چک ضمانت

هنگام استخدام در شرکتی، یک چک ۲۰ میلیون تومانی برای ضمانت دادم. حالا شرکت مرا اخراج کرده است. وقتی گفتم حق و حقوقم را می‌خواهم، مرا تهدید کردند چک را اجرا می‌کنارند. آیا این حق را دارند؟

هنگام امضای قرار داد، باید شماره چک و مبلغ چک را در قرارداد ذکر کنید که این چک بابت تضمین کار است. در صورتی که در اجرای وظایف مشکلی نداشته باشید، می‌توانید دادخواست استرداد آن را مطرح کنید.

تقسیم ارثیه

خواهرم یک ماه قبل فوت کرد. او دارای همسر و یک فرزند است و مادرمان در قید حیات است. ارثیه خواهرم چطور بین ورثه تقسیم می‌شود؟

ضمن تسلیت به شما درباره نحوه تقسیم ارثیه خواهر مرحومتان باید بگوییم، ورثه حین فوت خواهر شما، همسر و فرزند و مادرتان است که مادر ۱/۶ و همسر ۱/۴ و مابقی سهم فرزند است.



درخواست طلاق بعد از گم شدن فرزند

فرزندش را در بغلش گرفته و حتی اجازه نمی‌دهد لحظه‌ای از خودش جدا شود.

پسر بچه تقریباً سه ساله‌ای که پدرش هم روبه روی او در راهروی دادگاه خانواده تهران ایستاده است. منتظرند تا

نوبت‌شان شود و داخل شعبه بروند. به دادگاه خانواده آمده‌اند تا درخواست طلاق بدهند. دلیل جدایی‌شان هم حالا در بغل مادر نشسته است. نگار و پدرام بعد از گم شدن پسر کوچک‌شان با هم درگیر شدند و این درگیری به دادگاه خانواده کشیده شد.

نگار وقتی در مقابل قاضی دادگاه خانواده تهران قرار می‌گیرد، درباره ماجرای اختلافش با شوهرش چنین می‌گوید: پدرام مرد بی‌مسئولیتی است. فقط یک بار بچه را به او سپردم. اما داشتم پسر را از دست می‌دادم. از وقتی پسرمان به دنیا آمده پدرام هیچ‌مسئولیتی قبول نمی‌کند. تمام کارهای بچه از نوزادی تا الان پای من بوده است. شب بیداری‌ها، می‌ریختن هایش، شیطنت‌هایش؛ حتی یک بار هم او را نگه نداشت. وقتی به مسافرت یا مهمانی می‌رفتم تمام مدت من به تنهایی از بچه مراقبت می‌کردم. واقعا از دستش خسته شده بودم. هرچه دعوا می‌کردم فایده نداشت. تا این‌که چند روز پیش بچه را گذاشتم خانه پیش پدرام و برای انجام کاری واجب بیرون رفتم. پدرام از همان اول غر زد که نمی‌تواند بچه را نگه دارد. ولی من هم عصبانی شدم و گفتم بالاخره تو هم پدرش هستی و باید مسئولیت قبول کنی. بچه را گذاشتم و رفتم. ولی ای کاش این کار را نمی‌کردم. چند ساعت بعد پدرام زنگ زد و گفت که بچه گم شده است. شوکه شده بودم. باورم نمی‌شد این مرد حتی چند ساعت هم نتوانست از بچه‌اش مراقبت کند. وقتی پرسیدم فهمیدم او را

به پارک برده و در آنجا رهایش کرده تا بازی کند. به او گفتم چطور می‌توانی بچه به این کوچکی را تنها در پارک رها کنی و خودت بروی جای دیگری بنشینی. کدام پدری این کار را می‌کند. در آن چند ساعت من مردم و زنده شدم. نمی‌دانید چه حالی داشتم. گفتم دیگر بچه‌ام را از دست دادم. تا این‌که شب از کلانتری تماس گرفتند و گفتند که بچه را پیدا کرده‌اند. پسر از پس گریه کرده بود، توانی نداشت. خودش از پارک بیرون رفته و در همان اطراف سرگردان شده بود. وقتی چنین اتفاقی افتاد دیگر نتوانستم شوهرم را تحمل کنم. این مرد هیچ مسئولیتی در قبال من و فرزندش ندارد و نزدیک بود پسرمان را برای همیشه از من بگیرد. برای همین بعد از یک درگیری شدید تصمیم به جدایی گرفتم. در ادامه شوهر این زن نیز به قاضی گفت: آقای قاضی، این اتفاق ممکن است برای هرکسی پیش بیاید. من از صبح تا شب سرکارم و وقت آزاد ندارم. شش صبح از خانه بیرون می‌روم و ۱۱ شب برمی‌گردم. آن وقت این زن توقع دارد در همین چند ساعتی که می‌خواهم استراحت کنم، بچه داری کنم. آن روز هم در پارک همه چیز ناگهانی پیش آمد. ولی نگار جوری برخورد کرد که انگار من مرد نیستم و غیرت ندارم. در پارک جلوی مردم و جلوی ماموران پلیس مرا خوار و ذلیل کرد. هرچه از دهنش در آمد به من گفت. در صورتی که اگر خودش هم بود ممکن بود، این اتفاق بیفتد. خدا را شکر که بچه مان صحیح و سالم بود، اما این زن به جای این‌که خوشحال شود، مرا تحقیر کرد. برای همین من هم دیگر نمی‌خواهم در کنار او زندگی کنم.

در پایان نیز قاضی پس از شنیدن صحبت‌های این زوج آنها را برای حل شدن مشکلشان راهی مرکز مشاوره خانواده کرد.

بار مسئولیت نباید فقط روی دوش یکی از زوجین باشد

منصوره نیکوگفتار، روان‌شناس می‌گوید: گاهی اوقات برخی از زوجها به خصوص در سال‌های اول زندگی‌شان تصور می‌کنند با هر مشکل و اختلافی که سر راهشان به وجود آمد، دیگر نمی‌توانند در کنار هم زندگی کنند و باید از همدیگر جدا شوند.

زوج‌ها باید با کمک افراد با صلاحیت و قابل اعتماد یا مشاوران و روان‌شناسان خانواده نهایت تلاش خود را برای حفظ رابطه‌شان به کار بگیرند. درست است که گاهی تلاش‌های صورت گرفته برای بهبود زندگی مشترک بی‌ثمر و بیهوده می‌شود و تنها راه حل نهایی همان طلاق و جدایی است، اما نباید به طلاق به عنوان اولین راه حل نگاه



گم شدن پسر بچه در پارک، پدر و مادرش را برای طلاق راهی دادگاه خانواده کرد

